

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی دکتری رشته ی زبان و ادبیات فارسی

سیر تحول صور خیال در غزل سبک عراقی

استادان راهنما:

دکتر حسین آقا حسینی

دکتر محمود براتی

استاد مشاور:

دکتر سید مرتضی هاشمی

پژوهشگر:

عباس نیکبخت

بهمن ماه ۱۳۸۸

کلیه حقوق مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های
ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی
عباس نیکبخت

تحت عنوان

سیر تحول صور خیال در غزل سبک عراقی

به سرپرست و رسید

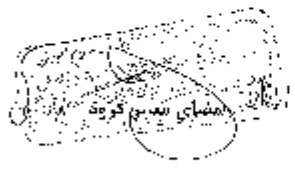
در تاریخ ۸۸/۱۱/۲۲ توسط هیات داوران بررسی و با درجه عالی

با مرتبه علمی دانشیار استادیار
با مرتبه علمی استادیار
با مرتبه علمی استادیار
با مرتبه علمی استادیار
با مرتبه علمی استادیار

۱- استاد داهمانی پیمان نامه دکتر حسین آف حسینی دکتر محمود برای
۲- استاد مشاور پیمان نامه دکتر سید سرفراز عاشقی
۳- استاد داور داخل گروه دکتر محمد رضا نصر انبهبانی دکتر محسن محمدی فشرنگر
۴- استاد داور خارج از گروه دکتر آریانا ماسوم رادگر دکتر یحیی طالبیان

استاد
استاد
استاد
استاد
استاد

صمیمی
دافع



سپاس خداوند بزرگ را که توفیق رفیق را هم کرد و دریچه ی لطف خویش را به رویم گشود، تا بتوانم گامی هرچند کوچک در راه اعتلای فرهنگ و ادب ایران زمین بردارم. به اقتضای شرط ادب و به حکم «من لم یشکرالمخاوق لم یشکرالخالق» بر خود واجب می دانم که از استادان بزرگواری که مستقیم و غیر مستقیم نگارنده را در انجام این پژوهش راهنما و یاریگر بوده اند، تشکر نمایم.

از استاد بزرگوار و فاضل گران ارج، جناب آقای دکتر حسین آقاحسینی که به عنوان استاد راهنمای اول این شاگرد کوچک، زحمات بی دریغی را در راه تدوین این پژوهش متحمل شده اند و این حقیر بی هیچ «آدابی و ترتیبی» در هر زمان از شبانه روز، تصدیق وقت ایشان داده ام سپاسگزارم و باید اعتراف کنم که اگر تشویق ها و راهنمایی های مشفقانه ی آن بزرگوار نبود، این کار هرگز به سرانجام خود نمی رسید.

از راهنمایی ها و ارائه ی راهکار های جناب آقای دکتر محمود براتی و دکتر سید مرتضی هاشمی به عنوان استاد راهنمای دوم و مشاور پایان نامه تقدیر و تشکر می کنم. از داوران محترم و بزرگوار گروه زبان و ادب فارسی، آقایان دکتر اسحاق طغیانی و دکتر محسن محمدی فشارکی که این پایان نامه را مطالعه و نکته های ارزشمندی را گوشزد نمودند، صمیمانه سپاسگزارم.

از استادان فاضل و ارجمند، آقایان دکتر ابوالقاسم رادفر و دکتر یحیی طالبیان که رنج سفر بر خود هموار کردند و بنده را مرهون لطف خویش نمودند و زحمت داوری پایان نامه را پذیرفتند، تشکر خالصانه دارم.

لازم می دانم از کارشناسان گروه زبان و ادبیات فارسی و مسؤولان دانشکده ادبیات و علوم انسانی که مقدمات جلسه ی دفاع از پایان نامه را فراهم نمودند، تشکر ویژه داشته باشم.

تقدیم به روح والا و جنت مأوای برادر شهیدم و به پدر و مادر عزیزم
که همواره همتشان بدرقه ی راهم بوده است و به همسر گرامی ام که
اگر فداکاری ها و از خود گذشتگی های او نبود، هرگز این کار به انجام
خود نمی رسید.

چکیده

رساله حاضر با هدف تبیین چگونگی سیر تحول صور خیال (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) و بسامد هر کدام از آن‌ها و نیز تحلیل مقایسه‌ای و آماری این صورت‌های خیالی در غزل شاعران مشهور سبک عراقی تدوین شده است. برای نیل به این هدف ۱۰٪ کل غزل‌های دوازده شاعر این سبک (به جز مولانا که به سبب فراوانی بالای غزلیات وی به ۵٪ اکتفا شده است) مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

با فاصله گرفتن شعر فارسی از سبک خراسانی بر فراوانی تشبیهات عقلی به حسی و انواع استعاره افزوده می‌شود. خیال ساده شاعران سبک خراسانی که بیشتر در شکارگاه محسوسات به صید عناصر متشابه می‌پرداخت، اندک اندک تنومندی عارفانه‌ای می‌گیرد و به سوررئالیسم عرفانی یا فرا واقع‌گرایی دینی نزدیک می‌شود، که این امر در غزل شاعرانی همچون عطار و مولانا به خوبی آشکار است. اگر چه تشبیهات محسوس به محسوس در غزل این دوره بسامد بالایی دارد؛ اما باید توجه داشت که تشبیهات حسی غزل سبک عراقی با سبک خراسانی، تفاوت اساسی و بنیادین دارد؛ چنان که تشبیهات محسوس به محسوس دوره خراسانی مربوط به قشر و رویه‌ی ظاهری زبان است و این تشبیهات در غزل عراقی با لایه‌های درونی و باطنی و معنوی کلام سروکار دارد. تشبیهات حسی به حسی در غزل کمال‌الدین اسماعیل، دارای بالاترین فراوانی است و این به دلیل علاقه خاص او به وصف طبیعت است؛ چنان که رنگ و بوی قصاید منوچهری در غزل او به وضوح قابل مشاهده است. تشبیهات مفرد به مفرد و پس از آن، مقید به مفرد در این دوره از فراوانی بالایی برخوردار است و این نشان از نوآوری خیال و توجه به ایجاز و اهمیت رکن مشبه در نزد شاعران این دوره دارد. قید در غزل شاعران مورد بحث، عموماً ایجاد محدودیت کرده است و در تصویرسازی نقش مؤثری ندارد، تنها حافظ در برخی از تشبیهات خود با افزودن قید به تشبیهات تکراری گذشتگان و گسترده نمودن مشبه، تشبیه نو و تازه ساخته است.

فراوانی تشبیهات مرکب در این دوره، سیر یکسانی ندارد و در پایان آن شیب نزولی در پیش گرفته است. سعدی در زمینه‌ی تشبیه مرکب تمثیلی و خواجه و انوری در بحث تشبیهات مرکب تخیلی ابداعات و نوآوری‌های خوبی از خود نشان داده‌اند.

در این دوره از تعداد تشبیهات مفصل و مرسل کاسته می‌شود و در نتیجه، بر میزان تشبیهات مؤکد و مخصوصاً بلیغ، افزوده می‌شود که این وضعیت تمایل و گرایش ذهنی و تخیلی شاعران به استعاره را نشان می‌دهد. غزل کمال‌الدین اسماعیل دارای کمترین میزان تشبیه بلیغ است و از این نظر او را باید یک استثناء در این دوره به حساب آورد و همان‌طور که قبلاً گفته شد، دلیل آن گرایش وی به تشبیهات رایج در سبک خراسانی است.

تصاویر استعاری در غزل سبک عراقی فراوانی بسیار بالایی دارد و شاعران این دوره با شیوه‌ای حساب شده و زیبا از این شگرد ادبی در جهت تبیین عقاید خویش بهره‌جسته‌اند. طبیعی است که استفاده مناسب و بجا از استعاره در هر زبان، به شرط آن که موجب پیچیدگی و معماگونه شدن زبان نشود، نشانه پویایی، تحرک و تعالی آن زبان به شمار می‌رود. بهره‌گیری گسترده و فراوان از استعاره مکنیه، به خصوص نوع جاندار مدار آن، در غزل این دوره نشانگر آن است که تمامی مظاهر طبیعی و اشیاء موجود پیرامون شاعران، در نظر آن‌ها زنده و به سوی هدفی خاص در حرکت است.

در میان استعاره های مصرحه، استعاره مصرحه مطلقه جولانگاه واقعی خیال شاعران سبک عراقی است و شاید فراوانی بالای همین استعاره باعث شده است که تعادل لفظ و معنی در تصاویر استعاری غزل این دوره حفظ شود. استعاره مصرحه مرشحه، اگر به زیبایی پرورش یابد، زیباترین و ارزشمندترین نوع استعاره است؛ زیرا که ادعای یکسانی در آن به اوج خود می رسد. انوری و حافظ در زمینه ی این استعاره از دیگران پیشی جسته اند؛ اما استعاره های مرشحه غزل حافظ که بیشتر آن ها با صنعت تلمیح زینت یافته است، از زیبایی و شگفتی منحصر بفردی برخوردار است. غزل حافظ در زمینه استفاده از استعاره تبعیه، یک شاخص در این دوره است و وی از این صورت خیالی زبان به شیوه ای زیبا بهره جسته است.

از منظر کلی شاعرانی همچون حافظ، کمال، خواجه، جمال الدین عبد الرزاق سنایی، به ترتیب بیشتر از دیگران استعاره گرا هستند و سعدی و خاقانی و عطار به نوعی تعادل و تساوی را میان تصاویر تشبیهی و استعاری خود رعایت کرده اند و فخر الدین عراقی کمترین میزان استعاره را به خود اختصاص داده است.

مجاز مرسل در غزل این دوره، سهم اندکی را به خود اختصاص داده است و فراوانی آن به کمتر از یک مورد در هر غزل می رسد. توزیع فراوانی این مجاز نیز در غزل همه شاعران یکسان نیست.

در میان صور خیال، کنایه نیز یکی از راههای بیان معنی است که به شیوه پوشیده و هنری، نه تنها در زبان شعر و ادب؛ بلکه در گفتار عامه ی مردم و امثال و حکم رایج در زبان ایشان به وفور می توان یافت. در کاربرد این ابزار، هر چه شاعر آشنایی و تسلط بیشتری بر زبان و ظرافت های موجود در آن داشته باشد، بهتر می تواند از مضایق و تنگناهای این شیوه بیرون آید. خصوصیت عمومی کنایه در نوع ادبی مورد بحث، سادگی و همه فهم بودن آن است و شاعران از کنایه های غریب و دور از ذهن بسیار کم استفاده کرده اند. بیشترین کنایه های این دوره از نوع کنایه از صفت و کنایه از فعل است و میزان کنایه های اسمی (موصوف) اندک است. غالب کنایه های اسمی انوری، عطار، مولانا، عراقی و خواجه تازه و ساخته ذهن خود آنهاست و از این میان کنایه های مولوی بیشتر به نام مقدس خداوند اختصاص دارد.

در کنایه های صفتی و فعلی غزل شاعران این دوره، نوآوری ها و ابتکارات زیادی به چشم می خورد و از میان آن ها حافظ ضمن خلق کنایه های نو و ابتکاری، از گلچین کنایه های دیگر شاعران این دوره، بسیار هنرمندانه و زیبا استفاده کرده است و میان این کنایه ها و سایر اجزای کلام و صنایع ادبی، آن چنان پیوندی برقرار ساخته که گویی برای همیشه آن ها را به نام خود ثبت نموده است.

واژه های کلیدی: سبک عراقی، صور خیال، غزل، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه

فصل اول: کلیات و تعاریف

۱.....	سبک ادبی.....
۲.....	سبک آگاهانه و ناآگاهانه.....
۳.....	غزل.....
۴.....	رواج غزل.....
۴.....	هنر و اقسام آن.....
۵.....	آنچه در هنر مطرح است.....
۸.....	علم بیان.....
۹.....	فایده ی علم بیان.....
۹.....	تشبیه.....
۱۰.....	غرابت تشبیه.....
۱۱.....	عوامل مؤثر در تشبیه.....
۱۱.....	ارکان تشبیه.....
۱۲.....	حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه.....
۱۴.....	تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن آن.....
۱۵.....	وجه شبه و مسائل مربوط به آن.....
۱۷.....	انواع تشبیه از نظر بودن یا نبودن ادات تشبیه و وجه شبه.....
۱۸.....	تشبیه به لحاظ تعدد و شکل.....
۱۹.....	تشبیه تمثیل.....
۲۰.....	اغراض تشبیه.....
۲۲.....	استعاره.....
۲۳.....	قرینه.....

عنوان	صفحه
انواع استعاره.....	۲۴
استعاره مصرحه مجردة.....	۲۵
استعاره مصرحه مرشحه.....	۲۵
استعاره مصرحه مطلقه.....	۲۵
استعاره مکنیه و تخیلیه.....	۲۶
مجاز.....	۲۸
مجاز مرسل.....	۲۸
علائق مجازی.....	۲۸
کنایه.....	۳۳
کنایه در محورهای زبان.....	۳۴
انواع کنایه به اعتبار مکنیّ عنه.....	۳۴
انواع کنایه به اعتبار وسایط و درجه خفا.....	۳۵
فصل دوم: تشبیه در غزل سبک عراقی	
سنایی.....	۳۸
تشبیه در غزل سنایی.....	۳۹
خاقانی.....	۵۱
تشبیه در غزل خاقانی.....	۵۲
انوری.....	۶۷
تشبیه در غزل انوری.....	۶۸
عطار نیشابوری.....	۷۶
تشبیه در غزل عطار نیشابوری.....	۷۷
جمال الدین عبدالرزاق.....	۹۴
تشبیه در غزل جمال الدین عبدالرزاق.....	۹۴
کمال الدین اسماعیل.....	۱۰۰
تشبیه در غزل کمال الدین اسماعیل.....	۱۰۰
مولوی.....	۱۰۸
تشبیه در غزل مولوی.....	۱۰۹
سعدی.....	۱۳۴

عنوان	صفحه
تشبیه در غزل سعدی.....	۱۳۵
فخرالدین عراقی.....	۱۵۴
تشبیه در غزل فخرالدین عراقی.....	۱۵۴
خواجوی کرمانی.....	۱۶۲
تشبیه در غزل خواجو.....	۱۶۲
سلمان ساوجی.....	۱۸۱
تشبیه در غزل سلمان ساوجی.....	۱۸۱
حافظ.....	۱۹۴
تشبیه در غزل حافظ.....	۱۹۵
تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی.....	۲۱۳

فصل سوم: استعاره در غزل سبک عراقی

استعاره در غزل سنایی.....	۲۳۲
استعاره در غزل خاقانی.....	۲۳۶
استعاره در غزل انوری.....	۲۳۹
استعاره در غزل عطار.....	۲۴۲
استعاره در غزل جمال الدین عبدالرزاق.....	۲۴۶
استعاره در غزل کمال الدین اسماعیل.....	۲۴۸
استعاره در غزل مولوی.....	۲۵۰
استعاره در غزل سعدی.....	۲۵۶
استعاره در غزل فخرالدین عراقی.....	۲۶۰
استعاره در غزل خواجوی کرمانی.....	۲۶۲
استعاره در غزل سلمان ساوجی.....	۲۶۷
استعاره در غزل حافظ.....	۲۷۰

فصل چهارم: مجاز در غزل سبک عراقی

مجاز و علاقه های آن در غزل سبک عراقی.....	۲۷۸
علائق مجاز در غزل سنایی.....	۲۸۰
علائق مجاز در غزل خاقانی.....	۲۸۴
علائق مجاز در غزل انوری.....	۲۸۷

عنوان	صفحه
علائق مجاز در غزل عطار.....	۲۸۹
علائق مجاز در غزل جمال الدین عبدالرزاق.....	۲۹۳
علائق مجاز در غزل کمال الدین اسماعیل.....	۲۹۵
علائق مجاز در غزل مولوی.....	۲۹۶
علائق مجاز در غزل سعدی.....	۳۰۲
علائق مجاز در غزل عراقی.....	۳۰۶
علائق مجاز در غزل خواجه.....	۳۰۸
علائق مجاز در غزل سلمان.....	۳۱۲
علائق مجاز در غزل حافظ.....	۳۱۴

فصل پنجم: کنایه

کنایه در غزل سبک عراقی.....	۳۲۰
کنایه در غزل سنایی.....	۳۲۲
کنایه در غزل خاقانی.....	۳۲۴
کنایه در غزل انوری.....	۳۲۷
کنایه در غزل عطار.....	۳۲۹
کنایه در غزل جمال الدین عبدالرزاق.....	۳۳۴
کنایه در غزل کمال الدین اسماعیل.....	۳۳۵
کنایه در غزل مولوی.....	۳۳۷
کنایه در غزل سعدی.....	۳۴۳
کنایه در غزل فخرالدین عراقی.....	۳۴۶
کنایه در غزل خواجه.....	۳۴۸
کنایه در غزل سلمان.....	۳۵۲
کنایه در غزل حافظ.....	۳۵۴

فصل ششم: نمودارها و تحلیل ها

شکل ۶- ۱: فراوانی تشبیه مفرد به مفرد در غزل شاعران عراقی به ترتیب تاریخی.....	۳۶۱
شکل ۶- ۲: فراوانی تشبیه مفرد به مقید در غزل شاعران عراقی به ترتیب تاریخی.....	۳۶۱
شکل ۶- ۳: فراوانی تشبیه مقید به مفرد در غزل شاعران عراقی به ترتیب تاریخی.....	۳۶۲
شکل ۶- ۴: فراوانی تشبیه مقید به مقید در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی.....	۳۶۲

عنوان

صفحه

- شکل ۶-۵: فراوانی تشبیه حسی به حسی در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۳
- شکل ۶-۶: فراوانی تشبیه عقلی به حسی در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۳
- شکل ۶-۷: فراوانی تشبیه حسی به عقلی در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۴
- شکل ۶-۸: فراوانی تشبیه عقلی به عقلی در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۴
- شکل ۶-۹: فراوانی تشبیه خیالی در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۵
- شکل ۶-۱۰: فراوانی تشبیه مفصل در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۵
- شکل ۶-۱۱: فراوانی تشبیه مرسل در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۶
- شکل ۶-۱۲: فراوانی تشبیه مؤکد در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۶
- شکل ۶-۱۳: فراوانی تشبیه بلیغ در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۷
- شکل ۶-۱۴: فراوانی استعاره مصرحه در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۸
- شکل ۶-۱۵: فراوانی استعاره مکنیه در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۸
- شکل ۶-۱۶: فراوانی استعاره مرکب در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۹
- شکل ۶-۱۷: فراوانی استعاره تبعیه در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۶۹
- شکل ۶-۱۸: فراوانی استعاره مصرحه مجرده در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۰
- شکل ۶-۱۹: فراوانی استعاره مصرحه مرشحه در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۰
- شکل ۶-۲۰: فراوانی استعاره مصرحه مطلقه در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۱
- شکل ۶-۲۱: فراوانی مجاز کل و جزء در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۱
- شکل ۶-۲۲: فراوانی مجاز جزء و کل در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۲
- شکل ۶-۲۳: فراوانی مجاز محل و حال (ظرف و مضروف) در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۲
- شکل ۶-۲۴: فراوانی مجاز حال و محل (مظروف و ظرف) در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۳
- شکل ۶-۲۵: فراوانی مجاز لازم و ملزوم در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۳
- شکل ۶-۲۶: فراوانی مجاز ملزوم و لازم در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۴
- شکل ۶-۲۷: فراوانی مجاز علت و معلول در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۴
- شکل ۶-۲۸: فراوانی مجاز معلول و علت در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۵
- شکل ۶-۲۹: فراوانی مجاز آلیت در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۵
- شکل ۶-۳۰: فراوانی مجاز خاص و عام در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۶

عنوان

صفحه

- شکل ۶- ۳۱: فراوانی مجاز عام و خاص در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۶
- شکل ۶- ۳۲: فراوانی مجاز ماکان و مایکون در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۷
- شکل ۶- ۳۳: فراوانی مجاز مایکون و ماکان در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۷
- شکل ۶- ۳۴: فراوانی مجاز جنس در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۸
- شکل ۶- ۳۵: فراوانی مجاز قوم و خویشی در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۸
- شکل ۶- ۳۶: فراوانی مجاز مجاورت در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۹
- شکل ۶- ۳۷: فراوانی مجاز تضاد در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۷۹
- شکل ۶- ۳۸: فراوانی کنایه از موصوف (اسم) در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۸۰
- شکل ۶- ۳۹: فراوانی کنایه از صفت در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۸۰
- شکل ۶- ۴۰: فراوانی کنایه از فعل در غزل شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی ۳۸۱
- فهرست منابع و مآخذ ۳۹۲

پیشگفتار

ادبیات ارتباط مستقیم با خیال دارد و خیال در واقع ظهور و بروز صورت های ذهنی به شیوه ای دگرگون شده است و این خود منشأ هنر است. ابزارهای هنر فراوان و متفاوت است؛ گاهی هنرمند از سنگ برای بیان خیال خود استفاده می کند و هنر مجسمه سازی به وجود می آید و گاه زیر و بم صوت ابزار او قرار می گیرد و هنر موسیقی را می سازد و در هنر نقاشی، سایه روشن ها و اختلاط رنگ ها به کار هنرمند می آید.

ادبیات هنر مکتوب است و در این هنر از زبان استفاده می شود و هنرمند نور و جلوه ی آن را به صورت نظم یا نثر از دریچه ی خیال خود به عالم بیرون می تاباند. در برابر هنر، علم قرار دارد؛ اما باید گفت که هنر همواره پیشرو بوده است و علم خوشه چین خیال هنری است. هر نتیجه ی علمی و اختراع بشری، ابتدا به صورت خیال در ذهن مخترع یا هنرمند مجسم می شود و سپس شکل و هیأت مکانیکی به خود می گیرد. چه بسا که بیان طلسمات و سخن از جادو و دیو و اعمال خارق العاده آنها در آثار شاعران و نویسندگان هنرمند، دست مایه اختراعات عجیب بشر، نظیر ربات ها، سفینه های فضایی، بمب های مخرب و هزاران هزار اختراع خوب و بد دیگر نشده باشد؟!

یک هنرمند ادبی مقصد و مقصودی از بیان خیالی و هنری خویش دارد و آن چیزی جز خلق یک اثر شگفت و تأثیر گذار نیست؛ اما ارزش هنری همه آثار هنرمندان ادبی و نیز ارزش ابزار خلق و آفرینش آنها یکسان نیست و در میان آنها غث و سمین، فراوان دیده می شود؛ همان طور که ابزار و وسایل رسیدن به مقصود در سفرهای طبیعی در نزد افراد، متفاوت است: برخی با چارپا، گروهی با ماشین و دسته ای با هواپیما رهسپار مقصد خویش هستند و باز در میان همین ابزارهای ظاهری نیز تفاوت چشمگیری با نوع مشابه وجود دارد. بنابراین مثلاً میان تشبیهات و استعاره های دو شاعر در یک دوره ممکن است، تفاوت زیادی وجود داشته باشد؛ زیرا که قدرت خیال و آفرینش و ابتکار هر کدام با هم فرق دارد. صور خیال یا همان ابزارهای تلاش و کوشش ذهنی هنرمند ادبی را بر چهار نهاده اند که عبارتند از: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. از میان این چهار شکل خیال، تشبیه و استعاره مقام ویژه ای در نزد شاعران نسبت به آن دو تای دیگر دارد و تلاش آنها همواره آن بوده است تا از این دو شکل خیال به نیکوترین وجه در خلق آثار هنری خویش بهره جویند.

ارزش و اهمیت علم بیان بر اهل ادب پوشیده نیست. این علم وظیفه ی تحقیق، بررسی، تعریف، دسته بندی و تحلیل صورت های خیال در آثار ادبی را بر عهده دارد؛ اما متأسفانه عنصر تحلیل در آثار نویسندگان و محققان این علم، بسیار ضعیف و کم فروغ است و تقریباً تمامی کسانی که در این زمینه قلم فرسایی کرده و آثاری به فارسی تألیف نموده اند، صرفاً به ترجمه تعاریف کتب عربی و آوردن شواهد مثال از شاعران عرب پرداخته و در کنار آنها مثال هایی نیز از اشعار فارسی ذکر نموده اند. تنها اثر استثنایی در این زمینه، کتاب ارزشمند *صور خیال در شعر فارسی* نوشته استاد شفیع کدکنی است که فقط شعر دوره خراسانی را بررسی و تحلیل کرده و به شعر بعد از قرن ششم نپرداخته است. در این میان اثر گران ارج *صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی* تألیف دکتر یحیی طالبیان را، که نگارنده از مطالعه آن بهره ها برده است، نمی توان از نظر دور داشت.

محال است کسی به مبانی، ریزه کاری ها و ظرافت های این علم، اشراف و آگاهی نداشته باشد و صرفاً به مدد دانستن معانی واژه ها و ترکیبات بتواند متون ارزشمند و درجه اول زبان فارسی را، آن طور که باید، تحلیل و تفسیر کند و از آنها لذت برده و غذای روح و جان خود را تأمین نماید.

اگر علم بدیع و صنایع ادبی به استحسان و نیکویی ظاهر و باطن کلام توجه دارد و نقد ادبی ترازوی سنجش کلام شاعران و نویسندگان است و اگر علم معانی به بررسی جملات و پی بردن به معانی ثانوی سخن می پردازد، علم بیان یا صور خیال، نظر بر بیان معنی واحد به طرق گوناگون بر پایه تخیل دارد. یک معنی واحد را به بی نهایت شکل و صورت خیالی می توان ایراد کرد؛ اما شرط آن داشتن استعداد هنری یا به عبارت ساده تر، استعداد ذاتی تصویر سازی است. بنابراین علم شناخت صورت های خیال به همراه علم معانی، بدیع و دستور، پایه اصلی سبک شناسی و نقد ادبی است. در اهمیت این علم همان بس که برخی از ادیبان، آن را دروازه ی ورود به عالم ادبیات دانسته اند.

شاعران و نویسندگان ادبی در استفاده از صور خیال در پدیده های ذهنی و خیالی خود، به نگارگرانی می مانند که با استفاده از این ابزار، بر بوم خیال خویش به نگارگری و نقش آفرینی می پردازند و آن را به جامعه ادبی، و بلکه جامعه انسانی تقدیم می کنند. پیداست که هر چه قدرت تخیل و خلاقیت ذهنی این هنرمندان عرصه ادب، وسیع تر و در عین حال دارای نازک اندیشی و ژرف نگری نیکوتری باشند، خالق آثار برجسته تر و زیباتری خواهند بود، به شرط آنکه در استفاده از صور خیال به راه تعادل رفته و به افراط و تفریط کشیده نشوند.

اهمیت و ارزش صور خیال در غزل بر کسی پوشیده نیست. قصیده با محتوای مدح هرگز نمی تواند نماینده ی واقعی و کامل عیار شخصیت درونی یک شاعر باشد؛ چرا که او ممکن است از سر نیاز اقتصادی و یا اجبار حاکمان وقت، به سرودن آن مبادرت ورزد. اما غزل جایگاه واقعی ظهور احساسات و اندیشه های درونی شاعر و هنرمند است و او بدون هیچ «آداب و ترتیبی» واقعیات درونی خود را به عالم خارج، انتقال می دهد. گاه شاعر غزلسرا با هنرمندی و تیزبینی هر چه تمامتر، برخی انتقادات اجتماعی، سیاسی و واقعیت های تاریخی را در قالب واژه ها، ترکیبات و صور خیال غزل ریخته است؛ چنان که فقط مخاطب صاحب ذوق و ژرف اندیش و آگاه به مسائل این علم می تواند حقیقت آن را دریابد. نمونه بارز و عالی این نوع غزل ها را در دیوان حافظ می توان جستجو کرد.

غزل سبک عراقی از جنبه ی صور خیال، در اوج قله ی ادب فارسی قرار دارد. شاعران غزلسرای دوره های بعد، در حقیقت خوشه چین خرمن خیال و تصاویر ذهنی شعرای این دوره ی ادبی هستند و به جرأت می توان گفت که معانی و مضامین و صور خیال به کار گرفته شده در این سبک، هنوز هم منحصر به فرد است و بسیاری از شاعران عصر حاضر، همان مضامین و صورت های خیال را با اندک تغییر، در شعر خود به کار می بندند.

نگارنده در این تحقیق، به بررسی صور خیال و سیر تحول آن در غزل سبک عراقی (بر پایه ی آثار مشهور این دوره) از آغاز دوره ی تحول غزل مبادرت ورزیده است. در راه نیل به این هدف، ۱۰٪ غزلیات دوازده شاعر این دوره (به جز مولانا که به سبب فراوانی بالای غزلیات وی، به ۵٪ اکتفا شده است) به طور تصادفی انتخاب و در باره ی صور خیال هر کدام به بحث و نتیجه گیری پرداخته است و در پایان با ارائه ی نمودارهای مختلف صور خیال، سیر تحول و چگونگی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

اعتراف می‌کنم که کاری با این حجم و گستردگی، هرگز نمی‌تواند خالی از اشکالات و نواقص باشد؛ بنابراین دست فرزندگان ادب دوست را، در یادآوری و گوشزد کردن نواقص این تحقیق، به گرمی می‌فشارم. تا چه قبول افتد چه در نظر آید!

فصل اوّل

کلیات و تعاریف

سبک ادبی

پیش از پرداختن به بحث صور خیال در غزل سبک عراقی، لازم است توضیحاتی کوتاه و مختصر در باب سبک، عناصر و عوامل تکامل آن، تقسیمات اصلی و فرعی و مشخصه های آن ارائه شود.

برای سبک تعریف های بسیاری کرده اند، از قبیل:

«سبک انحرافی است از زبان معیار.

سبک آرایش روی اندیشه است که قابل تفکیک می باشد.

سبک خود انسان است. (بوفن)

سبک چهره ی روح است.

سبک روش خاص هر فرد است، برای اظهار افکار و عواطف و احساسات خود، و به گفته ی «کلودل» سبک

بیان هر کس، مانند آهنگ صدای او منحصر به فرد است.» [فرشیدورد، ج ۱، ۱۳۶۳: ۶۵۴]